

«ایران» به بهانه تجمع اخیر علیه ظریف بررسی کرد

استاندارد دوگانه در برابر تجمعات

گفت وگو

مهراوه خوارزمی

روزنامه نگار

همه این سال‌ها به سؤال بخش زیادی از مردم پاسخ داده نمی‌شود، حسی شدید از تبعیض را ایجاد می‌کند، زیرا مخالفان FATF یا ظریف، حق دارند براساس اصل ۲۷ قانون اساسی تجمع کنند، علیه همه شعارهای تند بدهند، اما موافقان FATF یا موافقان ظریف و حتی پزشک‌یان، هیچ‌گاه این امکان را نداشته‌اند که اصل ۲۷ قانون اساسی را اجرا کنند و در حمایت از شخص یا سیاست خاصی، تجمع کنند. شاید برای حل این سیاست دوگانه اعتراضی، یا دوگانگی برخورد با تجمعات بود که بحث تدوین قانونی برای برگزاری تجمعات مطرح شد. این بحث در دولت دوازدهم مطرح شد و در نهایت در دولت سیزدهم لایحه تعیین مکان تجمعات به مجلس ارسال شد. این لایحه با طرح نمایندگان در همین زمینه تلفیق شد، اما هنوز به سرانجامی نرسیده است تا کشور از این سردرگمی و دوگانگی سیاستی در برابر اعتراضات رها شود. علت را از دو چهره جویا شدیم: عبدالله مرادی مدیرکل سیاسی وزارت کشور سیزدهم و محمدصالح جوکار رئیس کمیسیون شورای‌های مجلس شورای اسلامی. این گفت‌وگوها را می‌خوانید.

مسأله خلأ قانونی است

وزارت کشور دولت سیزدهم در اردیبهشت ۱۴۰۲ لایحه نهمه برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها» را به مجلس ارسال کرد. این لایحه نهایی نشد و در نیمه‌راه ماند. ضرورتی که شما را به تهیه و ارسال این لایحه به مجلس واداشت، چه بود؟

اصل ۲۷ قانون اساسی چهارچوب کلی تجمعات قانونی

را مشخص کرده است، اما اجرایی شدن این اصل نیازمند تعریف چهارچوب عملیاتی است، به نحوی که هم حقوق متعرضین و هم مسئولیت‌شان مشخص شود و هم مسئولیت‌های دستگاه‌های نظارتی، انتظامی. پیش از مطرح شدن این بحث هم این طور نبود که قانونی برای تجمعات نباشد. قانون احزاب و تشکل‌های سیاسی و نیزابین‌نامه فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد پیش‌بینی‌هایی در این باره داشتند و عمل‌نهاد صادرکننده مجوز کمیسیون ماده ۱۰ احزاب بود. اما این کمیسیون دستور کاری برای تجمعات مورد درخواست دیگر شخصیت‌های حقوقی و حقیقی نداشت، همچنان که نوع زمان‌بندی مندرج در قانون و دیگر عوامل پیش‌بینی شده برای صدور مجوز تجمع چنان که باید محول‌تاری نبود. در دولت آقای روحانی مصوبه‌ای صادر شد که در آن مکان‌هایی برای برگزاری تجمعات اعتراضی مشخص شده بود، اما دیوان عدالت اداری آن مصوبه را ایندلی کرد. زیرمسأله صرفاً تعیین مکان نبود، بلکه مسأله اصلی سازوکار درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی برای برگزاری تجمع و تعیین حقوق و مسئولیت‌ها برای آنان بود. موضوعی که در دولت سیزدهم هم در همان ابتدا به دغدغه وزارت کشور تبدیل شد. در آن زمان دو کار انجام دادیم؛ یک کار زودبازده که استفاده از قانون احزاب

«چرا فقط یک عده خاص حق دارند بدون مجوز تجمع برگزار کنند؟ آیا ما هم می‌توانیم

درباره چیزهایی که مخالف هستیم، تجمع برگزار کنیم؟» این سؤالات بسیار تکراری است که هیچ‌وقت هم پاسخی به آنها داده نمی‌شود. این سؤالات هربرابر وقتی مطرح می‌شود که یک گروه محدود خاص می‌توانند هر زمان که بخواهند و علیه هر چیزی که اراده کنند، تجمع برگزار کنند. وقتی دی‌ماه گذشته مخالفان رفع فیلترینگ تجمع و راهپیمایی کردند، یا وقتی شنبه گذشته مخالفان ظریف در پاساتور تجمع کردند و علیه معاون راهبردی رئیس جمهوری شعار دادند، باز هم این سؤالات پرسیده شد. اما اینکه در معاون راهبردی رئیس جمهوری تجمع کنند، علیه همه شعارهای تند بدهند، اما موافقان FATF یا موافقان ظریف و حتی پزشک‌یان، هیچ‌گاه این امکان را نداشته‌اند که اصل ۲۷ قانون اساسی را اجرا کنند و در حمایت از شخص یا سیاست خاصی، تجمع کنند. شاید برای حل این سیاست دوگانه اعتراضی، یا دوگانگی برخورد با تجمعات بود که بحث تدوین قانونی برای برگزاری تجمعات مطرح شد. این بحث در دولت دوازدهم مطرح شد و در نهایت در دولت سیزدهم لایحه تعیین مکان تجمعات به مجلس ارسال شد. این لایحه با طرح نمایندگان در همین زمینه تلفیق شد، اما هنوز به سرانجامی نرسیده است تا کشور از این سردرگمی و دوگانگی سیاستی در برابر اعتراضات رها شود. علت را از دو چهره جویا شدیم: عبدالله مرادی مدیرکل سیاسی وزارت کشور سیزدهم و محمدصالح جوکار رئیس کمیسیون شورای‌های مجلس شورای اسلامی. این گفت‌وگوها را می‌خوانید.

ارائه شد. در نهایت در سال آخر مجلس مورد رسیدگی قرار گرفت و به نتیجه نرسد.

این تنها لایحه‌با طریحی نبود که به نتیجه‌نرسید.

چرا یک قانون‌گذاری در مسیر احقاق حق مردم معطل نگذاشتند؟ آیا مسأله نبوداراده‌سیاسی است یا دل‌نگرانی‌هایی وجود دارد؟

انکار نمی‌شود که در این باره، هم میان صاحب‌نظران و دستگاه‌های ذریط و هم میان گروه‌های سیاسی که بخش مهمی از درخواست کنندگان هستند؛ تفاوت نگاه وجود دارد. براساس تجربه می‌گویم اینکه این مسأله طول کشیده است، لزوماً به دلیل نبود اراده یا نگرانی نسبت به برگزاری تجمعات خیابانی نیست.

مسأله‌چگونگی تدوین قانونی است که واقعاً قابلیت عملیاتی شدن داشته باشد و در صورت اجرامانع کشیده شدن تجمعات به سمت رفتارهای مخرب اعم از توهین، اهانت و نفرت‌پراکنی شود. این دغدغه وجود داشت. اما وجود اولویت‌های مختلف در دستور کار ادار مختلف دولت و مجلس، کار را به تعویق انداخت.

در چنددهه‌اخیر سراغ نگذاریم که تجمع حزبی خارج از فضای سرسسته برگزار شده‌باشد. احزاب هم اعلام می‌کردند در خواست تجمع دادیم‌اما مجوز داده‌نشد.

برگزاری همایش‌ها و اجتماعات احزاب که اصلاً نیاز به مجوز ندارد. اما فرمانداری‌ها در بسیاری موارد حتی برای اجتماعات در مکان سررسسته هم مجوز نمی‌دادند. این مسأله بیشتر جنبه اطلاع‌محور دارد. فرمانداری باید بداند در اماکن شهر چه برنامه‌هایی در جریان است. اما درباره تعبیر خاص از اجتماعات یعنی راهپیمایی، سابقه آن را ندارد که چند در خواست مطرح شده بود. به‌نظرم در دوره ما جزیک یا دو مورد درخواست راهپیمایی حزبی مطرح نشد.

آن در خواست‌ها فاعد آثار شد؟ خیر، تعامل اتفاق افتاد. تلاش کردیم در کمیسیون، از نمایندگان حزب دعوت کنیم و حرف‌شان را بشنویم، و آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد بود و براساس این دو، دستورالعملی برای شفاف کردن حقوق و تکالیف مجوزگیرنده و مجوزدهنده مشخص شد. کام بعدی هم این بود که برای تجمعات قانون نوشته شود. جلسات متعددی در معاونت حقوقی ریاست جمهوری و در وزارت کشور برگزار شد و در نهایت لایحه نهمه برگزاری مواد آن لایحه هم بحث‌برانگیز نبود. از جمله

ارسال درخواست تجمع ۲۵ روز پیش از برگزاری و مشخص کردن موادی همچون تعداد کسانی که در تجمع حضور پیدا می‌کنند. اصولاً چنین مواردی قابل پیش‌بینی است؟

آن زمان چالشی حقوقی بین صاحب‌نظران بود که تجمع باید اطلاع‌محور باشد یا مجوزمحور؟ در آن لایحه این چهارچوب تعریف شده بود که متناسب با جغرافیا، جمعیت و برگزار کننده، ترکیبی از اطلاع‌محوری و مجوزمحوری را اجرا کنیم. آنچه اشاره داشتیم هم، خیر، معمولاً قابل پیش‌بینی نیست. این بحث آن زمان هم مطرح شد. اما قرار شد فرماندار شهرستان برمیانی آنچه می‌تواند حدس برزند عمل کند. بالاخره اگر فرماندار نسبت به تجمع نظر منفی داشت، می‌توانست فرزند اطلاع‌محور را به مجوز محور تبدیل کند. حرف ما این بود که وقتی حق اعتراض به رسمیت شناخته می‌شود، این حق نمی‌تواند منهای تکلیف باشد. برگزارکننده باید مسئولیت قبول کند. یعنی معلوم باشد که چه کسی یا چه هدفی می‌خواهند تجمع برگزار کند. آیا تجمع باعث ترافیک می‌شود؟ آیا محتمل است شعارهایی از قبیل توهین و اهانت به اشخاص و جریان‌های سیاسی و اقوام و مذاهب در تجمع مطرح شود. همچنین تکالیف دستگاه‌های نظارتی و انتظامی و نحوه پوشش خبری و نقش خبرنگاران و انتظامی و می‌توانند داشته باشند باید مشخص باشد. اینها در آن لایحه دیده شده بود. لایحه اردیبهشت ۱۴۰۲ به مجلس تویق انداخت.

در این شرایط، واگذاری ایران خودرو به بخش خصوصی، موضوع قطع کردن یا کند

کردن روند زاینبار فعلی است که ساعتی ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان ضرر جدید خلق می‌کند؛ پیش از آنکه بیچ‌ومهره

شرکت زیر بار بدهی و چالش‌های مالی از هم جدا شده و ایران خودرو را به ورطه تطیلی بکشاند.

۲- **ایران خودرو در مسیر کاهش تولید است**
آمار ارائه‌شده از سوی ایران خودرو حاکی از این است که این مجموعه در ۹ ماه ابتدایی امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷ درصد کاهش تولید داشته است. جامعه کارگری و کارشناسی ایران خودرو بهتر از هر فرد و گروهی در جامعه می‌دانند کاهش تولید به‌معنای کاهش کار و البته آب‌رفتن مزایاست. چنان‌که سابقه تطع‌تطیلی خطوط تولید ماکسیما و زانتیا در ایران به بیکاری ظیفی از کارگران و کارشناسان انجامید. این واقعیت که امروز ایران خودرو به دلیل چالش‌های مالی توان ترمیم یا تقویت خطوط تولید، تحقیق و توسعه و به‌روزرسانی سیستم‌ها و پلنفرم‌ها را ندارد و هر روز دلیل نمی‌تواند تیراز خود را افزایش دهد، بیش و پیش از همه مقابل دیدگان کارگران این مجموعه است.

۳- **مدیریت دولتی به‌معنای خطر مکرر تعدیل نیرو است**
هر فردی که خود یا خانواده‌اش تجربه حضور در مجموعه‌های دولتی را داشته باشد، با گوشت و پوست خود درک کرده که چگونه هر تغییریی از بالاترین مقام اجرایی کشور یعنی رئیس‌جمهوری گرفته تا یک مدیر میانی در مجموعه دولتی، امنیت شغلی کارگران و کارمندان را تهدید می‌کند. غیر از تعداد خاصی از کارکنان که استخدام رسمی هستند و برای‌شان فرقی نمی‌کند چه کسی مدیر شود، بقیه کارگران و کارمندان با هر تغییری خود

سیاسی

نظر کمیسیون، عدم نیاز به مجوز برای برگزاری تجمعات است



محمدصالح جوکار رئیس کمیسیون شورای‌های مجلس

آقای جوکار! رسیدگی به لایحه برگزاری تجمعات و تعیین مکان مربوط به آن، به کجا رسیده‌است؟

این طرح در کارگروه قرار دارد و دیروز هم در صحن کمیسیون شورا‌های مجلس بحث و بررسی شد. درحال حاضر هم فقط یک ماده به تصویب اعضای کمیسیون رسیده است. این طرحی است که در مجلس گذشته با لایحه دولت قبل تلفیق و به صحن مجلس ارائه شد. اما چون نوبت به آن نرسید، نهایتاً به این مجلس رسید. دولت چهاردهم این لایحه را پس نگرفت

و همان لایحه دولت سیزدهم را پذیرفت. این لایحه به اضافه طرحی که مورد نظر نمایندگان بود، با حضور نماینده وزارت کشور و دولت و دستگاه‌های مرتبط در حال بررسی در صحن کمیسیون است.

چرا هیچ طرح و لایحه‌ای در مورد تجمعات به نتیجه نمی‌رسد؟

مشکلی وجود ندارد. مسأله این است که تا حالا در دستور قرار نگرفته بود. دیروز این کار انجام شد و بررسی‌ها آغاز شد.

در دوره‌های قبل بطور؟ اهمیتی نداشت؟

در دستور صحن بود، اما نوبت به رسیدگی به آن نرسید و در نهایت عمر مجلس هم به پایان رسید و این کار به عهده مجلس جدید گذاشته شد.

دولت چهاردهم هم هیچ‌ایرادی در لایحه دولت سیزدهم نداشت؟

خیر، این دولت، لایحه متعلق به دولت قبل را پس نگرفته و ما هم آن را در دستور کار کمیسیون قرار دادیم.

این لایحه از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ برای برگزاری تجمعات چه فکری کرده؟

دستورات این لایحه و طرح، همان اصل ۲۷ قانون اساسی است. طبق این اصل، تشکیلات اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. اما این اصل قانونی اساسی برای اجرایی شدن، نیازمند قوانین عادی است. در قوانین عادی بررسی می‌شود که اجتماعات و راهپیمایی‌ها و تحصن‌ها چیست؟ هر کدام از اینها تعریفی دارد که این تعاریف باید در قانون بیابید و نهایتاً روش برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها و آن افرادی که در خواست‌کننده و برگزارکننده هستند یا مکان‌هایی که قرار است راهپیمایی‌ها در آن برگزار شود، معین شوند.

شنبه گذشته شاهد برگزاری تجمعی در تهران بودیم که علیه آقای ظریف شعارهای تندى داده شد.

چه تجمعی بوده؟

علیه آقای ظریف و حضورش در دولت. جلوی پاساتور برگزار شد. طبق گفته وزارت کشور مجوزی صادر نشده بود. حالا با لایحه‌ای که در مجلس بررسی می‌شود، جلوی چنین تجمعاتی گرفته می‌شود؟

طبق اصل ۲۷ قانون اساسی، افراد برای برگزاری تجمعات آزاد هستند، البته در چهارچوب‌های خاص خود. کسی که می‌خواهد راهپیمایی برگزار کند، اینکه در کجا انجام می‌شود، مورد بحث ماست و ما چهارچوب‌ها را مشخص می‌کنیم. دریافت مجوز یکی از بحث‌های مهم برگزاری تجمعات است. گروهی اصلا مجوز نمی‌گیرند و در برگزاری تجمع آزادند و گروهی هم تقاضای مجوز می‌کنند اما یا خواسته آنان مخالفت می‌شود. در این لایحه فکری برای دریافت مجوز شده‌است؟

ما هنوز به مواد دیگر لایحه نرسیده‌ایم. هنوز دو ماده از مورد بررسی قرار داده‌ایم. اما دو نگاه وجود دارد. نگاه کمیسیون و آنچه که در طرح نمایندگان مطرح شد، این بود که احتیاجی به مجوز نیست. اما نگاه دیگری هم وجود دارد و آن اینکه، می‌گویند باید مجوز اخذ شود. البته آن نگاهی که می‌گویند نیاز به مجوز نیست در چهارچوب مسائلی آن را مطرح می‌کند. مثلاً می‌تواند مکان برگزاری تجمعات کجا باشد، چه تعدادی در آن حضور داشته باشند و مانند اینها.

نظر غالب در بین نمایندگان، اخذ مجوز است یا آزادی برگزاری تجمعات؟

نمی‌توانم بگویم که نظر غالب چیست. در نهایت هم نظر کمیسیون مطرح است. چقدر زمان می‌برد که به قانون تبدیل شود؟ معلوم نیست. چون بعضی از این مواد مجدداً برای بررسی بیشتر به کارگروه برمی‌گردد.

خریداری کرده و دوباره مدیریت را به دولت بدهند! رویدادی که سبب شد منابع مالی ایران خودرو که باید صرف نوسازی خطوط، افزایش کیفیت و کمیت خودرو و همچنین رفاه کارکنان شود، خرج حفظ صنل‌ی مدیران دولتی شد!

۷- **نیروی انسانی در بخش خصوصی**

بیشتر می‌شود؛ نه کمتر

ده‌ها واگذاری به بخش خصوصی در کشور ما حاکی از رشد تولید و متعاقب آن رشد نیروی انسانی شاغل است؛ چراکه هدف ابتدایی بخش خصوصی برخلاف بخش دولتی کسب سود است و کسب سود، چاره‌ای جز افزایش تولید ندارد و افزایش تولید نیز نیازمند افزایش نیروی انسانی است. کما اینکه خودروسازی بیهمن در ابتدای خصوصی‌سازی حدود ۳۵۰۰ نیروی فعال داشت که این تعداد در ۸ سال بیش از دو برابر و بیش از ۷۹۰۰ نفر شد. اتفاقاً یکی از دلایل اصلی شکست واگذاری هیکو، اخراج یا خروج نیروهای کارکنان فعالیت داشت‌ه باشند. همچنین سیر ارتقای نیروها براساس شایستگی و بررسی معیارهای آن پیش‌تعیین‌شده ندارد و صرفاً برای پاداش و پیشکش به نورچشمی‌های انتخاباتی و سیاسی تأسیس شده است.

به گفته‌وی، این مدیران هیچ تخصص و تجربه‌ای ندارند و صرفاً این شرکت‌ها را به پاتوق خود بدل کرده‌اند. تفاوت حقوق دریافتی و مزایای این مدیران با بدنه کارگرن و کارشناسی ایران خودرو و عدم فعالیت این مدیران در مقابل زحمات شیان‌ه‌روزی کارگران و کارشناسان است

تولید، تنها بخشی از تبعیضی است که به‌واسطه مدیریت و پشتیبانی دولتی در ایران خودرو در این سال‌ها پیش از مدیریت وقت ایران خودرو با دو رزندن قابل‌تأمل این است که مدیران وقت ایران خودرو هنگام واگذاری ۴۰۰ میلیون دلار، معادل ۲۲ هزار میلیارد تومان فعلی را از سرمایه در گردش گروه ایران خودرو به دولت دادند تا سهام این مجموعه را



بزرگ‌ترین خط تولید قطعات خودرویی در غرب آسیا را اداره می‌کنند.

۵- **خصوصی‌سازی به سود کارگران است**

و به ضرر مدیران سفارشی
یک ماه پیش بود که علی علیلیو، یکی از نمایندگان سابق مجلس و عضو کمیته تحقیق و تفحص از خودروسازان افشا کرد در ایران خودرو بیش از ۱۵۰ شرکت صوری وی‌فایده وجود دارد که هیچ کارکردی ندارند و صرفاً برای پاداش و پیشکش به نورچشمی‌های انتخاباتی و سیاسی تأسیس شده است.

۴- **تفاوت سهامدار و مالک هیکو با سهامداران ایران خودرو**
سال ۸۵ زمانی که قرار به واگذاری هیکو به بخش خصوصی شد، ابتدا نهاد یک شرکت اروپایی به‌عنوان خریدار و مالک احتمالی مطرح شد، اما با رد صلاحیت وی، شرکت واگن‌سازی کوثر به‌عنوان تنها خریدار این مجموعه ثبت‌نام کرد؛ شرکتی که همان‌گونه که از ناشی‌پیداست، کارش تولید واگن قطار بود و با محصولات هیکو یعنی ماشین‌الات سنگین نسبتی نداشت.

البته خرید هیکو از سوی شرکت واگن‌سازی کوثر در یک مرحله به‌دلیل عدم توانایی شرکت باطل شد، اما بعد از عرضه مجدد سهام هیکو دوباره خریدار قبلی بدون هیچ رقیبی هیکو را خرید و بپوشش را در ۴ سال بعدی پرداخت کرد! این در حالی است که سهامداران بخش خصوصی ایران خودرو ۱۶ سال پیش سهام این مجموعه را خریده‌اند. همچنین این سهامداران دست‌کم ۴۰ سال در زمینه قلع‌ه‌سازی فعالیت دارند و امروز از جیب سهامداران، کارگران و شهروندان

براساس آخرین آمار، ایران خودرو در ۹ ماهه اول امسال بیش از ۳۵۰ هزار دستگاه خودرو تولید کرد که اگرچه نسبت به سال گذشته کاهش ۷ درصدی دارد، اما در همین ۹ ماه ۸۰ برابر بیشتر از هیکو در یک سال تولید داشته است.

۹- **واردات، هیکو را زمین زد**

کارشناسان معتقدند شکست واگذاری هیکو دو بیال داشت؛ اول مالک و مدیر غیرمرتبط و دوم آزاد شدن واردات ماشین‌آلات سنگین. اگرچه برخی معتقدند باید دره‌های کشور را به روی واردات خودروهای سواری گشود، اما وضعیت ازلی کشور، تحریم‌ها و از همه مهم‌تر استراتژیک بودن خودرو به هیچ‌کشتوری از جمله کشور ما چنین اجزاه‌ای نمی‌دهد.

۱۰- **ایران خودرو برای نجات راه دیگری**

ندارد

وضعیت مالی، خطوط تولید، کیفیت محصولات، منصف طولانی خرید خودرو و عدم توازن میان عرضه و تقاضا در بازار تنها نوک قله مشکلات ایران خودروست که در معرض دید قرار دارد.

چهار دهه مدیریت دولتی به‌واسطه عدم ثبات، تغییر مدام سیاست‌ها و برنامه‌ها، رفت‌وآمد مدیران، ارتباطات ناسالم میان برخی مدیران ایران خودرو و بخشی از دولت‌ها و نهادهای مسئول و... در ایران خودرو که یک سرمایه عظیم ملی است، یک غول زیانده ساخته و بدهی انباشته و روند زیانده ماند و ریزل ایران خودرو را به سمت دره سوق داده است و این مجموعه برای نجات، چاره‌ای جز تغییر ریزل ندارد. واقعیت این است که مدیریت دولتی با وجود تلاش و دلسوزی‌ها، به‌واسطه نداشتن اختیار و فرصت کافی برای تصمیم‌گیری و اصلاحات همچنین اولویت‌دادن به دیکته دولت و نه صلحنت ایران خودرو، زمان زیادی را از دست داده است و غول آبی‌رنگ جاده مخصوص چاره دیگری جز خروج از مسیر زاینبار فعلی ندارد.

^[1] خریداری کرده و دوباره مدیریت را به دولت بدهند! رویدادی که سبب شد منابع مالی ایران خودرو که باید صرف نوسازی خطوط، افزایش کیفیت و کمیت خودرو و همچنین رفاه کارکنان شود، خرج حفظ صنل‌ی مدیران دولتی شد!

^[2] ۷- نیروی انسانی در بخش خصوصی بیشتر می‌شود؛ نه کمتر

^[3] ده‌ها واگذاری به بخش خصوصی در کشور ما حاکی از رشد تولید و متعاقب آن رشد نیروی انسانی شاغل است؛ چراکه هدف ابتدایی بخش خصوصی برخلاف بخش دولتی کسب سود است و کسب سود، چاره‌ای جز افزایش تولید ندارد و افزایش تولید نیز نیازمند افزایش نیروی انسانی است